

# 404

#یادداشت\_روز\_سوم

#در\_باب\_طلبگی

#تکنیر\_الگوی\_طلبگی

بسیاری از مدیران مدارس که در تربیت طلاب کوشا و دغدغه مند هستند، برای ایجاد انگیزه و ترغیب طلاب به ممحض بودن در تحصیل و تلاش مجدانه در کسب علوم حوزوی، یک الگوی ثابت طلبگی (بخوانید الگوی آرمانی) برای آینده طلاب ترسیم می نمایند و افرادی که از این الگو پیروی نکرده اند (حتی خودشان) را سرزنش نموده و برچسب هایی به آن ها می زنند که در ذهن طلاب بی تجربه به عنوان شهروندان درجه چندم و بی استعداد و محروم از قوه تحصیل و کارآمدی در طلبگی نقش می بندند. تا جایی که اگر یک طلبه بخواهد مسیری غیر از آن الگوی آرمانی (مسیر اجتهاد) را پی بگیرد، ابتدا دچار خودکم بینی و سپس دچار یاس و ناامیدی می شود و همان راه را نیز به درستی طی نخواهد کرد. حتی این ترس را نیز دارد که آنچه را انتخاب کرده بروز بدهد و با دیگران مطرح نماید.

غافل از اینکه افرادی که به حوزه آمده اند نه همگونی در استعداد دارند و نه در اهداف یکسان هستند و از همه مهمتر اینکه انتظارات جامعه از روحانیت فقط آن الگوی آرمانی نیست و مردم به همان شهروندان درجه چندم (بخوانید مبلغان و مشاوران و معلمان آموزش و پرورش و کارمندان در ادارات حوزوی و فرهنگی و ...) بیشتر احتیاج دارند تا مجتهدانی که ارتباطی با کف جامعه ندارند و خود را وقف در تعلیم و تعلم علوم حوزوی نموده اند و کرسی تدریس و جنبانیدن لویه فتوا را به رسیدگی به امور حسیه مردم ترجیح می دهند.

پس ما الگویی را در حوزه ها ترویج می کنیم که نیاز جامعه به افراد مبرز و کارکشته در آن در هر برهه ای از زمانه در حد انگلستان دو دست است و الگوهایی را تضعیف می کنیم که جامعه و مسلمانان به آن ها نیاز مبرم دارند تا بتوانیم بگوییم حوزه برای پاسخگویی به جامعه کارآمد و فعال است. لذا اولین راه حل برای تغییر وضعیت کنونی تغییر نگرش در مدیران و موثران در تربیت طلاب و سپس تکنیر و ترویج الگوهای استاندارد برای تبیین افق های پیش روی طلاب است.

